

## بیاد شهدای فامیلم

شب راز دان سخن دل فگار ماست  
اندیشه حزین ز دل بیقرار ماست  
فریاد می‌کشم ز دل خون چکان خویش  
تا عرش میرسد که پیک شرار ماست  
عمریست ز غم بر لب دریا نشسته ام  
غواص گونه در دل غمها قرار ماست  
افسرده و غمین خیالم درین رباط  
گفتم به دوستان که ملک رازدار ماست  
گر یک سروده ای بیاد شهید کنم  
آن شعله حزین ز دل داغدار ماست  
آن رهروان راه شهیدان ما کجاست ؟  
با سیل اشک و خون بره انتظار ماست ؟  
باری شنو عزیزم که بر ما چه ها گذشت  
از "ظاهر و رشید و کریم جان" نگار ماست  
"مجدود، عارف و غفار" کجا شدند  
از "مومن، و عزیز" که در دل مزار ماست  
خلقی و پرچمی لعینان بیخدا  
بردند "ظاهر و رشید" که اینها بکار ماست  
داکتر رشید که ز اوضاع خبر نداشت  
گفتا رویم که جمعی کنار ماست  
آن شب، شب زفاف ظاهر نامراد بود  
کشتند هر دو را که همین اقتدار ماست

بی گور و بی کفن شهیدان بخاک رفت  
کشتند هر دو را و گفتا شعار ماست  
با دشمن "خلق" مدارا روا کجاست  
زانرو به برچه میکشیم و ابتکار ماست  
داکتر رشید گفت پسر عمه جوان  
امشب شب زفاف تو و افتخار ماست  
ظاهر که انجنیر نکته دان بود  
گفتا که همسفریم و روز شمار ماست  
ما را دگر رزق ز دنیا بکام نیست  
بر دار میرویم و اسلام شعار ماست  
کردند عدو محاصره اطراف خانه ها  
گفتا که رد پای **سخی جان** بکار ماست  
آغاز گشت جهاد در بیست و چار حوت  
هفتصد شهید خاص در یک مزار ماست  
مومن گشود جبهه و آغاز شد جهاد  
ای بیخبر ز رنج دلم آن نگار ماست  
خاموش شد جهاد و دلیران که شد شهید  
هر سو دمید لاله و گفتا مزار ماست  
هر سو به زیر خاک **نهان** بین شهید را  
گویند به دوستان که جنت مزار ماست  
محمدآصف نهان سدنی آسترالیا

هشتم سپتمبر ۲۰۱۳